

امیر عبدالله و دور جدید بازی در خاورمیانه

برخی تصور می‌کنند طرح امیر عبدالله

بر آورنده خواست‌های اسرائیل و کمک به رهایی تل‌آویو از بن‌بست است

عبدالعزیز، ولیعهد آن زمان عربستان و شاه کنونی این کشور در مصاحبه‌ای با یک رسانه عربستانی ضمن حمله به پیمان صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل، طرح جدیدی بر محور مشارکت سازمان آزادیبخش فلسطین در فرایند صلح ارایه داد. بند هفتم طرح شاهزاده فهد جوان می‌گفت: "همه کشورهای منطقه باید قادر به زندگی مسالمت‌آمیز و توأم با صلح با یکدیگر باشند." این اشاره تلویحی در آن زمان باعث جنجال شد. آن وقت نیز شاهزاده عبدالله پا پیش گذاشت و در نهم نوامبر ۱۹۸۱ و در مصاحبه‌ای با مجله تایم به صراحت اعلام کرد: "بند هفتم پیشنهاد ناظر بر شناسایی نهایی اسرائیل می‌باشد." به عبارتی و همانطور که رابرت استالوف، مدیر اجرایی "موسسه مطالعات خاور نزدیک واشنگتن"، می‌گوید در سال ۱۹۸۱ نیز به اسرائیل پیشنهاد شد تا در قبال شناسایی دیپلماتیک، امتیازاتی به اعراب بدهد.

طرح پیشنهادی اخیر عبدالله در مصاحبه با توماس فریدمن آمریکایی از سطح طرح ملک فهد تا حدودی فراتر می‌رود و ایده بیت‌المقدس تقسیم شده و تخلیه اراضی عرب (جولان) و فلسطین را مطرح می‌کند.

۲. طرح پرنس عبدالله در خصوص دو مسأله مهم یعنی حق بازگشت آوارگان و پذیرش اسرائیل به عنوان یک کشور تا حدودی ساکت است. البته بحث شناسایی کامل اسرائیل به عنوان یک کشور یهودی از سوی اعراب و کشورهای منطقه از جمله مسایلی است که ایالات متحده روی آن سرمایه‌گذاری خواهد کرد.

مخالفت کرده و شیمون پرنز، پیش شرط عقب‌نشینی به مرزهای ۱۹۶۷ را غیر قابل قبول دانسته است. مبارک مصری می‌گوید شارون خواهان ملاقات محرمانه با امیر عبدالله سعودی شده است. در خصوص این طرح که خواستار عقب‌نشینی اسرائیل به مرزهای قبل از جنگ ۱۹۶۷ در ازای شناسایی همه جانبه دیپلماتیک با کشورهای عرب است، چند نکته شایان توجه است:

۱. این طرح به نوبه خود و به لحاظ محتوایی چیز جدیدی نیست، اما آنچه باعث جذابیت آن می‌شود، فضای حاکم بر زمان طرح این پیشنهاد می‌باشد. در هفتم اوت ۱۹۸۱ نیز فهد بن

اکنون دیگر همگان در خاورمیانه فهمیده‌اند که طرح امیر عبدالله سعودی چیست و بر همین اساس، مواضع موافق و مخالف اتخاذ شده است. دولتمردانی که هنوز نمی‌دانند تبعات مخالفت با این طرح برای آنان چه خواهد بود و فضای تهدیدآمیز حاکم بر روابط آنان با جهان خارج را به چه سمتی سوق خواهد داد، موضع "بی‌اطلاعی" اتخاذ کرده‌اند. برخی می‌گویند صدام حسین در نشست سران عرب در اواخر ماه مارس جاری نیز با دستی پر از سورپریز خواهد آمد. حساب موافقین نیز کاملاً روشن است. در این میان، اسرائیل در مرحله نخست با طرح عبدالله



زن و کودک فلسطینی زیر سایه اسلحه سرباز اسرائیلی

بازخوردها^۴ و قرار دادن آریل شارون در یک وضعیت تحت فشار از جمله شواهد ناظر بر این تناسب زمانی هستند و نیازی به تکرار نیست که پس از حادثه سپتامبر در آمریکا و جنگ در افغانستان و نیز در پیش بودن پرده‌های جدیدی از پروژه تهاجم دوجانبه در خاورمیانه، زمان مناسب برای تغییرات بنیادین در قضایای خاورمیانه پدید آمده است البته همین بحث تا حدودی باعث می‌شود تا برخی چنین استدلال کنند که طرح امیرعبدالله برآورنده خواست‌های اسرائیل و کمک به رهایی تل‌آویو از بن‌بست است.

۴. پذیرش طرح امیرعبدالله از سوی اعراب، ایالات متحده و اتحادیه اروپا به عنوان سکویی برای از سرگیری مذاکرات از یک سو و افزایش ضربات پرتلفات در داخل اراضی از سوی دیگر، آریل شارون را بر سر دوراهی خطرناکی قرار داده است. برخی از رسانه‌های اسرائیلی، شارون را به "غنیمت شمردن فرصت" دعوت می‌کنند. اما به نظر می‌رسد که شارون یک راه ترکیبی را در پیش خواهد

داشته باشد، البته می‌توان گفت در فضای پس از یازدهم سپتامبر و شرایط تغییریافته کنونی، ارایه طرح عبدالله نه تنها دیر هنگام

طرح پیشنهادی اخیر

عبدالله در مصاحبه با توماس

فریدمن آمریکایی از سطح

طرح ملك فهد تا حدودی

فراتر می‌رود و ایده

بیت المقدس تقسیم شده و

تخلیه اراضی عرب (جولان) و

فلسطین را مطرح می‌کند

نبود، بلکه از ظرافت ریاضی در انتخاب زمان و اعلام این طرح حکایت داشت. در پیش بودن نشست سران و باقی بودن فرصت "گرفتن

عبارت به کار رفته در طرح پرنس عبدالله، برشناسایی اسرائیل به عنوان یک کشور دلالت کامل دارد: "عادی سازی کامل روابط" Full normalization استفاده از این عبارت، این طرح را از طرح‌هایی قبلی متمایز می‌کند. البته بحث بازگشت آوارگان نیز بسیار مهم است و یکی از دلایل اصلی برای موضوع مخالفت فعلی شارون و خطرناک خواندن این طرح نیز همین بحث است. از طرفی، فلسطینی‌ها روی این مسأله پافشاری خواهند کرد و به احتمال قوی در نهایت بازگشت بخشی از آوارگان پذیرفته و به دیگران غرامت پرداخت خواهد شد.

برخی اعتقاد دارند که طرح عبدالله بسیار دیر ارایه شده است. ۱۸ ماه از انتفاضه و درگیری تمام عیار مسلحانه متقابل گذشته و تعداد کشته شدگان دو طرف از رقم ۱۲۰۰ نفر فراتر رفته است.

وضعیت جاری به گونه‌ای است که رقم تلفات با شدت قابل توجهی رو به افزایش است و این روند می‌تواند خطرات فراوانی به همراه



گرفت.

به نوشته روزنامه های اسرائیلی، شارون گفته است: "اول، آنها (فلسطینی ها) را سرکوب می کنیم و سپس به مذاکره می نشینیم." حرکت در این مسیر می تواند هزینه های فراوانی برای دو طرف داشته باشد.

به هر ترتیب، اگر شارون تصمیم به تخریب فضا جهت رد پیشنهاد ریاض گرفته باشد، باید منتظر عملیات پرتلفات فلسطینی ها و حملات سبعانه و همه جانبه اسرائیلی ها در

هستیم و در این میان، عدم آمادگی اسرائیل برای ورود به یک جنگ چریکی تمام عیار خود مسأله ای است که تل آویو را وادار به بازی "یک گام به پس، دو گام به پیش"، خواهد کرد. در اواسط ماه جاری یک تفنگ متعلق به دوران جنگ جهانی دوم در مدت ۲۵ دقیقه، ۲۵ گلوله شلیک کرد و جنازه ۱۰ تن از سربازان و شهرک نشینان اسرائیلی را بر جای گذاشت. چند انفجار انتحاری در داخل اراضی ۱۹۴۸ نیز تلفات وسیعی بر جای گذاشت. حتی



یکی از افراد جوخه های شهادت طلبی فلسطینیان

روزهای آینده باقی مانده به برگزاری نشست سران عرب باشیم.

بازگرداندن عرفات به دوران محاصره دفترش در رام الله، یک گزینه روانی دیگر است. در این میان، بازگذاشتن دست اسرائیل برای تخریب این فرصت، ایالات متحده را نیز در وضعیت بسیار دشواری قرار خواهد داد. اثبات عدم همکاری و تحرک واشنگتن در قضیه فلسطین باعث خواهد شد تا واشنگتن در جاهای دیگر هزینه های سنگینی بپردازد و چه بسا بعید نیست که طرح تحریم اسرائیل در نزد اعراب طرفداران پر و پا قرص تری بیابد. درست به همین دلیل است که شاهد افزایش سطح انتقادات دولت بوش و از سیاست های شارون

جبهه دوم متمایل گردد و چه بسا یک احتمال ظاهراً غیرمنطقی - ترور عرفات - به دست شارون عملی شود.

در این راستا نیز شاهد حمله موشکی به ساختمان مجاور دفتر محل حضور عرفات بودیم. اگر همین اتفاقی در سطوح پایین تر عملی شود، باز هم به نتیجه نفع اسرائیل تغییر نخواهد کرد و اسامه بن لادن اسرائیل (لقب داده شده توسط شارون به عرفات) خرس را تا سر حد مرگ بی خواب و عصبی خواهد کرد. در چنین فضایی، طرح امیرعبدالله می تواند از سوی هر دو طرف مورد توجه باشد. در این میان، تاکتیک "تهاجم به اردوگاه ها" تنها زمینه را برای پاسخ شدید متقابل مبارزان فلسطینی فراهم کرده و مشروعیت اقدامات آنان را برای ناظران اثبات می کند.

مردان تل آویو با آگاهی از ناتوانی خود در پیروزی در یک جنگ چریکی، باید متوجه نکته عملیاتی نهفته در حملات اخیر فلسطینی ها شده باشند. ضربات وارده به لحاظ دقت در اجرا و تلفات حاصله و عمق ضربه، متحول شده اند. اکنون یک حمله، توسط یک تیرانداز ۱۰ کشته برجای می گذارد، یا یک حمله کننده به عمق تل آویو نفوذ می کند.

ترور وزیر جهانگردی دولت شارون باید این پیام را مدت ها پیش منتقل کرده باشد، مگر آنکه درک آن نیازمند تکرار مجدد باشد! پس بهتر است این فرض را مدنظر داشته باشیم که شارون با رد کنونی طرح عبدالله منتظر است تا حرکت طرف مقابل را ارزیابی کند. بازی او را می توان با این واژه ها تزیین نمود: "یک گام به پس، دو گام به پیش!"

باید دید واشنگتن برای بازگشت ژنرال آنتونی زینی چه مأموریتی طراحی کرده است و موقعیت واقعی شارون با توجه به مواضع انتقادی شدید وزارت خارجه آمریکا به چه صورتی در خواهد آمد.

با تمام این تفاسیل، نیازی به تکرار نیست که بازیگران خاورمیانه در آستانه تحول بزرگی قرار دارند و بازیگرانی که به نفع خود و بازی پیش رو بی توجه باشند، پیش از شروع مسابقه، بازنده نهایی خواهند بود. آیا می توان امیدوار بود که ما این بازنده از پیش باخته نباشیم؟

کشته شدن متقابل ده ها فلسطینی نیز نخواهد توانست افکار عمومی اسرائیلی ها را به کارآمدی سیاست "مشیت آهنین" متقاعد کند. اکنون اکثر سربازان اسرائیلی مانند ستوان دیوید داملین فکر می کنند که ۲۴ ساعت قبل از مرگ در پست بازرسی با مادرش تماس تلفنی گرفت و با نگرانی گفت: "مادر اینجا مثل شکاری بی حرکت، منتظر شکار شدن هستم." فرار و سرپیچی از دستور در میان سربازان اسرائیلی در هفته های اخیر به یک پدیده جالب توجه تبدیل شده است. افکار عمومی نیز به شدت بر علیه شارون تحریک شده است. این وضعیت باعث می شود تا شارون به سمت اعلان جنگ و یا فعال ساختن